



<http://www.arianafghanistan.com>

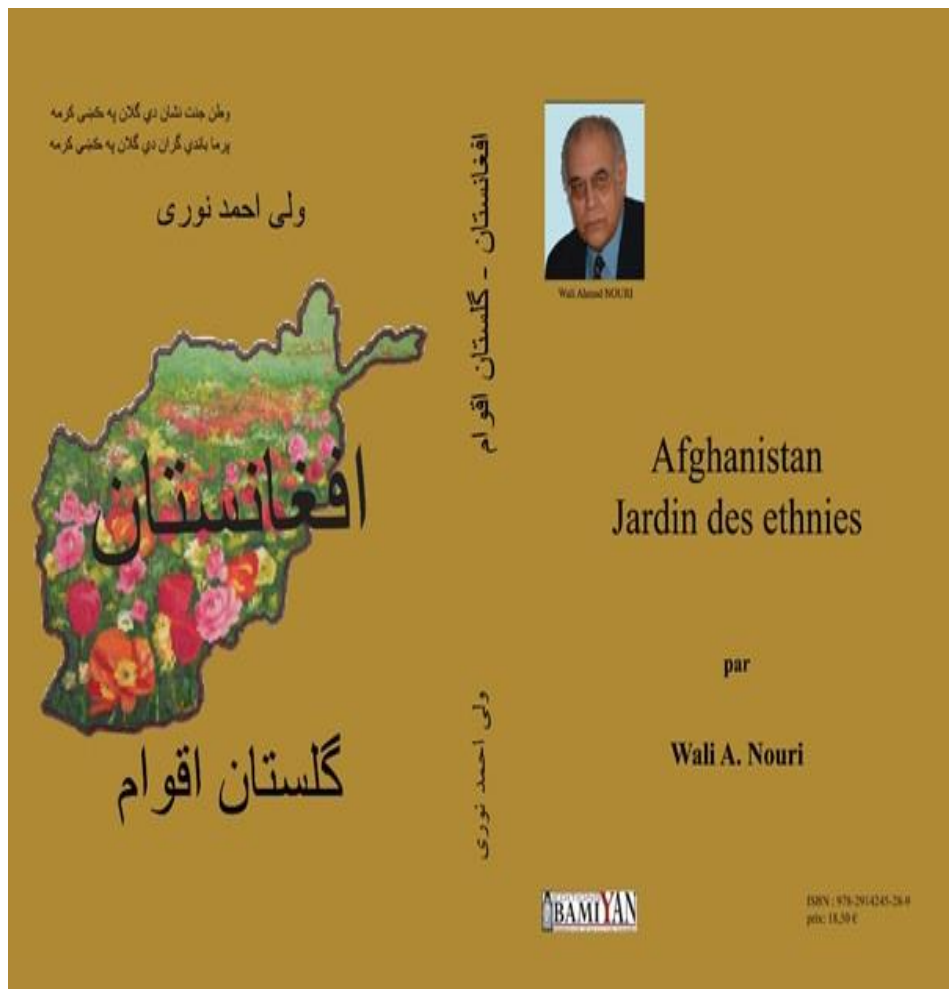


۲۰۱۸/۰۴/۱۶

ولی احمد نوری

# افغانستان گلستان اقوام

قسمت چهارم



# تبصره بر اعلامیه صادره پاریس:

## استعمال نام "افغانستان" جرم است

از عبدالله رب

آقای ولی احمد نوری، نبشته ای از پاریس به همه رسانه های همگانی فرستاده و در آن نگاشته است:

«من این مقال را روی صفحه جهانی اینترنت میگذارم تا تمام افغانها در هر گوشه و کنار جهان که باشند، آنرا مطالعه نمایند و آرزو دارم برای یکبار سنت مطبوعاتی را شکسته و این نوشته را در همه نشرات افغانی، روزنامه ها و مجلات، هفته نامه ها و ماهنامه های داخل و خارج بچاپ برسانم، تا مردم افغانستان متوجه اهمیت این موضوع گردند.»

موضوع چیست؟ ماجرا ازین قرار است که چرا برخی کسان در نوشته ها و یا گفتار خود کلمه "افغانی"، "افغانستان" می نویسند، و چرا به جای کلمات معمول دری و عربی، کلمات فارسی ایرانی را بکار می برند! این نوشته را از ابعاد گوناگون میتوان سبک و سنگین کرد:

الف - از نگاه حقوقی: (استعمال نام "افغانستان" جرم است)؛ از نگاه حقوق جزاء و جرایم به سه دسته تقسیم میشوند، که عبارت اند از جنایت، جنحه و قباحت، و تشخیص اینکه يك عمل جرمی در کدام يك ازین سه دسته ها شامل میگردد، به قانون جزائی يك کشور تعلق میگیرد که انواع جرایم را تعریف و شناسائی میکند. مثلاً قتل عمدی و دزدی و رهنی در زمره جنایات است که جرم آن سنگین است، از سوی دیگر برائت ذمه حالت اصلی است، یعنی تا کسی مورد محاکمه قرار نگیرد و از طرف محکمه باصلاحیت محکوم نگردد، ما به وی جرمی را نسبت داده نمیتوانیم و نه هم میتوان آنرا مجرم بخوانیم. پس چگونه آقای ولی نوری خودش را در جای قاضی قرار داده و باصراحت عنوان میکند که استعمال نام "افغانستان" جرم است؟! باید ازین قاضی محترم مقیم پاریس پرسید که نوعیت این جرم چیست؟ آیا جنایت است، جنحه است و یا قباحت؟ آیا در قوانین و مقررات کشور ما برای گفتن کلمه "افغانستان" بجای افغان جرم جزائی تعیین شده است؟ و در کدام قانون؟!

ب- از نگاه عفت قلم: قلم به ذات خود قدسیت دارد و خداوند تبارک و تعالی بدان سوگند یاد کرده است، و ما باید چه در گفتار و چه در نوشته های خویش عفت قلم را از یاد نبریم و بد و بیراه به مردم نگوییم، مثال عدم رعایت عفت قلم را در اعلامیه صادره پاریس میتوان در مورد ذیل یافت :

«آیا تعدیل آنها به زعم چند فتنه انگیز و بیگانه پرست مورد پذیرش جامعه افغانی و بین المللی قرار گرفته میتواند» و «به خاطری که بادران چند نفر خود فروخته این خیانت را خواسته اند» و «باز هم نفرین بر شما ای فرزندان ناخلف این سرزمین پاک».

آیا کسی که "افغانستانی" بگوید مستوجب این همه بدگویی و فحش و دشنام هاست؟ و یا کسی که کلمات ناب فارسی را بکار برد باید به ارتکاب خیانت متهم شود؟

ج – از نگاه تاریخی: نام "افغانستانی" برای بار نخست در اوایل قرن نوزدهم بکار رفت، آقای فرهنگ مینویسد: "هر چند کلمه افغانستان به عنوان نام رسمی کشور بار اول در سال ۱۸۰۱ در معاهده بین انگلستان و ایران در باره دولت درانی بکار رفته است"<sup>۱</sup>

"در همان سده هجدهم، عبدالله خان دیوانبگی از ارکان دولت احمدشاه درانی در قطعه ای که به مناسبت بنای شهر قندهار سروده، گوید:

### جمال ملک خراسان شد این تازه بنا ز حادثات زمانش خدا نگهدار

... دولتی که در نیمه سده هجدهم توسط احمدشاه ابدالی پی گزار شد نیز در عصر شاه مذکور خراسان نامیده می شد، چنانچه از زبان صابرشاه پیر و مرشد احمدشاه روایت شده که راجع به شاه مذکور به حکمران لاهور گفت: او پادشاه خراسان است و تو صوبه دار پادشاه هندوستان".

"نورمحمد قندهاری که در سده بعدی کتاب گلشن امارت را در تاریخ امیر شیرعلی خان تألیف نموده است، در ذکر احوال امیر دوست محمدخان پدر امیر شیرعلی خان چنین مینگارد: در آن زمان که خاقان مغفرت نشان، امیر بی نظیر علیین مکان، امیر دوست محمدخان در ولایت خراسان در دارالسلطنه کابل ارم تقابل بر اورنگ امارت و جهانبانی نشست بود."<sup>۲</sup>

از تحقیق آقای فرهنگ بر می آید که بار اول کلمه "افغانستان" در سال ۱۸۰۱ میلادی توسط انگلیس ها و ایرانی ها در مورد دولت سدوزائی ها بکار گرفته شده، و از قدیم الایام تا عصر احمدشاه و امیر شیرعلی خان بنام خراسان نامیده می شده است. بنابر این، نام "افغانستان" که با چنگ و دندان بدان چسبیده ایم و آنرا سخت محکم گرفته ایم، و کلمه "افغان" را از آن مشتق کرده ایم، و هر مخالفتی را با سوت می کوبیم، در واقع تحفه اهدایی انگلیس و ایران است که بما تقدیم شده است. اگر کسی درین مورد شك دارد يك سند تاریخی ارائه دارد که مردم این سرزمین و یا پادشاهان این مرز و بوم قبل از سال ۱۸۰۱ عیسوی این کلمه را در مورد این محدوده کنونی کشور ما بکار برده باشند، گفتنی است که لفظ "افغانستان" در قرن هفتم هجری در کتاب "تاریخنامه هرات" اثر سیفی هروی به وفرت

<sup>۱</sup> افغانستان در پنج قرن اخیر، ج اول، قسمت اول ص ۲۴

<sup>۲</sup> (همان منبع، ص ۲۰)

بکار رفته و بر سرزمین های مرزی میان افغانستان کنونی و پاکستان یا پشتونستان اطلاق شده است، آن هم نه به حیث سرزمین مستقل.

بخش دوم این اعلامیه اعتراض و کارگیری واژه های ناب فارسی است، زبان حد و مرزی ندارد و افغانی و ایرانی نمی شناسد، و نباید بدان تاپه تابعیت زد، بلکه به مرور زمان تکامل یافته، کلمات و واژه ها متروک و مهجور شده و جای آنرا کلمات و واژه های نو گرفته است. به عبارت دیگر هر کلمه و لغتی که طرف پسند و پذیرش مردم قرار گرفت یا به اصطلاح جا افتاد، همان مورد استعمال قرار میگیرد. و مشهور می گردد. بنابراین تعصب نشان دادن در مورد کار برد کلمات امری است خلاف منطق، و از آن بدتر تاپه تابعیت زدن به کلمات است که آنها را در محدوده معین مرزی حبس کرد.

آیا زبان فارسی خاص ایران است؟ آیا یک کابلی یا بدخشانی فارسی صحبت میکند یا یک بختیاری یا ترک آذربایجانی؟ آیا یک پشاور بهتر پشتو صحبت میکند یا صادرکننده اعلامیه پاریس؟ یا مرحوم سردار محمد نعیم خان که با پروگرام پشتو سازی مضامین مکاتب، ضربه قاطعی بر پیکر معنوی این کشور وارد کرد، در حالیکه خود یک کلمه پشتو بر زبان نیاورده بود.

جای بس تأسف است که در عصر ظاهرشاه تمام تپ و تلاش بران بود که زبان پشتو جاگزین زبان دری شود. خیاطی را گندونکی نوشتند، و مدعی العموم را خرنوال و شفاخانه را روغتون، کلماتی چون ساتنوال، پوهنخی و پوهنتون وارد زبان فارسی شد. در حالیکه نه از پادشا و نه از صدراعظم ها و وزرای خانوادگی شان حرفی به پشتو شنیده شد. لیکن مامورین دولتی مجبور بودند که در کورسهای تدریس پشتو تولنه ضیاع وقت کنند و سوانح های ساختگی و جعلی را حفظ کنند، آیا همین اعمال نادرست و ناشایست بسنده نبود که حالا قلم بر میدارند و اعلامیه صادر میکنند تا این کلمات و آن کلمات باید در زبان فارسی استعمال نشود که ایرانی است؟ آیا میتوان زبان فارسی را با صدور چنین اعلامیه ها از سیر تکامل آن منحرف کرد و مهار نمود؟ مثال های از نگارش آقای ولی نوری:

"درین چند سال اخیر در بعضی از روزنامه ها و نشریات خارج کشور عده در صدد آن اند که کلمات فارسی ایرانی را به عوض کلمات سچه دری یا کلمات معمول عربی را که در زبان ما عجیب شده است بکار برند که نه تنها خوش آیند نیست، بلکه رنج آور است."

آیا بجای کلمه "عجین" که شاید نزد بسا کسان فهم آن دشوار باشد اگر کلمه "آمیخته" بکار گرفته میشد بهتر نبود؟ قضاوت با خوانندگان است.

به ادامه نوشته است: "ولی تعویض کلمه افغان به افغانستانی بی اندازه نامانوس و غیر قابل پذیرش و توهین آمیز است."

بنده طرفدار تعویض نام افغانستان نیستم، زیرا این دردی را دوا نمی کند، ولی اگر مردم افغانستان بخواهند که نام کشور خویش را تغییر دهند، آیا حق ندارند؟ زیرا با مذاق آقای نوری برابر نیست؟! چه غیر مانوسی چه غیر قابل پذیرش و چه توهین آمیز است؟ مگر ما حق داریم که حق ملتی را سلب کنیم؟ مگر لفظ ایران بر کشور کنونی بیش

از نیم قرن سابقه ندارد؟ آیا قبل بر آن نام رسمی ایران، فارس نبود؟ آیا با این تغییر نام ملت ایران توهین شد؟ آیا نام های کشور های که در گوشه و کنار جهان تغییر میکنند توهین آمیز است؟

اینهم جالب است که آقای نوری با آنکه در برابر واژه تازه در زبان فارسی اعتراض میکنند، بعضاً ناخود آگاه واژه ها را بکار میگیرد که مثال آن : گردهمآئی ها، در پای آن امضا کردن، و غیره، آیا این واژه ها تا سی سال قبل در زبان ما بکار میرفت؟ آیا مثالی آورده میتوانید؟ کلمات و واژه ها هم کهنه میشوند و میمیرند و بجای آنها واژه های دیگری پدید می آیند، این از طبیعت زبان است.

بخش دیگر این اعلامیه پاریس اعتراض بر نشرات و جراید و به ویژه جریده امید است، که البته نمیخواهم گستاخی نمایم و درین باره چیزی بنویسم، و به وظیفه آقای کوشان تشبث کنم. سانفرانسیسکو ۲۱ می ۲۰۰۴

عبدالله رها

